

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

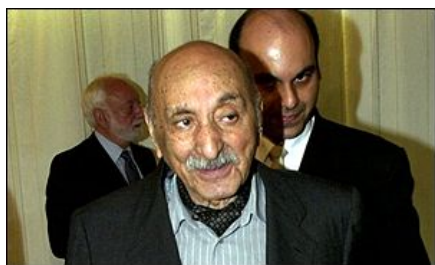
سیاسی

دوکتور محمد اکبر یوسفی

۲۸ اپریل ۲۰۱۲

کنفرانس «پیترسبرگ» - بن و افغانستان!

(قسمت چهارم)



در هیأت نمایندگی پادشاه سابق، که گزارشگر ایشان را از «اینتی» پشتون یاد نموده، تعداد هیأت از جانب ایشان را هم همین «راپورتر» «بی.بی.سی.»، ۱۰ نفر یاد نموده، طوری که از شمول دو زن نیز، در جمله ترکیب هیأت تذکر به عمل می آورد. درین هیأت نمایندگی، از ردیف وسیع گروپ

های «اینتی» در مقایسه با هیأت دیگر و هم از شخصیت هائی با نظرات سیاسی وسیع نام برده شده است.

پادشاه سابق در آن روزها ۸۱ سال عمر داشته، به اساس گزارش «خبر نگار» از احترام «بالقوه» برخوردار بوده، می نویسد که «می تواند در اتحاد و صف آرائی افغانها در عقب حکومت موقت نقش مهم ایفاء نماید. لیکن روشن نیست که آیا در برابر تعداد قابل ملاحظه مردم بیانیه ای ایراد خواهد نمود، یا خیر؟»

قابل تذکر می دانم که از همان بروز «بحران» عمیق، بعد از سال ۱۹۷۸ که با آغاز برخورد های شدید مسلحانه منجر گردید و صلح نسبتاً طولانی، زمان سلطنت از مردم کشور، ربوده شد، موضوع «نقش مؤثر» پادشاه سابق، همواره وقتاً فوقتاً در محافل سیاسی غرب، و هم در درون جامعه افغانستان، مطرح بحث قرار می گرفت. احساس غربت بین اتباع مهاجر، با خاطرات روز های حیات مردم در داخل کشور، یعنی حالت «عدم جنگ» (قریب چهل سال) در کشور در زمان سلطنت، بعضاً امیدواری مردم را به بازگشت ایشان افزایش می بخشید. شایعات در جامعه افغانستان در بیش از بیست سال، فروکش نمی نمود.



لحظات برجسته شایعات و پخش گزارشات، در آستانه سقوط «رژیم چپ»، با پدیدار شدن قوای جنگی «طالبان» در سال ۱۹۹۴، باز در سال ۲۰۰۱، بیشتر از هر وقت دیگر، شناخته می شود. چنانچه وقتی بار دیگر در آستانه تدویر کنفرانس «بن»، شایعات در باره احتمال بازگشت، پادشاه سابق گرم تر گردیده بود، برهان الدین ربانی در جواب به سؤالی در این رابطه در برابر «کمره»

تلویزونی گفت: «حال وقت پادشاهی گذشته است.» در حالی که، روشن نبود، که بازگشت ایشان چه نوع رژیم را باخود خواهد داشت. توقع بسیاری ها، دست یابی به صلح بوده است. کسانی که در غرب، می دانستند، که در بازگشت به فضای صلح، پادشاه سابق، نقش مثبت ایفاء خواهد نمود، افراد معینی چون برهان الدین ربانی (احتمالاً به رضایت و استشارة ایران و ترس از دست دادن موقف خود- در عکس با پیروانش، ریشش سفید) و گلبدین حکمتیار، از دوستان نخستین او در سالهای آغاز تشکیل «حزب مشترک آنها»، مانع عملی شدن پروسه صلح گردیدند. درحالی که «صلح» برای همه اتباع صدمه دیده از جنگ، مقدم بر همه پدیده ها شمرده می شد، بی تفاوت بوده است، که تحت سایه چه کسی و در تحت اداره چه سیستمی، «صلح» برقرار گردیده می توانست. برهان الدین ربانی در حقیقت، به بازی در دور آتش ادامه داد. ضرب المثلی داریم که می گویند، «کسی که با آتش بازی می کند، دامنش خواهد سوخت».

روز ۲۵ «نومبر» ۲۰۰۱، دو روز قبل از تدویر کنفرانس، خبر نگار «بی. بی. سی.» می نویسد: «رئیس جمهور مخلوع افغانستان، برهان الدین ربانی، گفت که حکومت او حکومت قانونی افغانستان است. در مصاحبه با «بی. بی. سی.» آقای ربانی که قدرت را در سال ۱۹۹۶ به نفع طالبان از دست داده بود، گفت حکومتش از جانب سازمان ملل متحد تا هنوز هم به رسمیت شناخته می شود.» در این صحبت مدعی گردیده بود، تا زمانی که حکومت دیگری تأسیس می گردد، «اداره او باید از اعتبار به رسمیت شناختن برخوردار باشد.» بدون شک، همچو فرصت، از یک وقفه زمانی «خلای قدرت» و همچو «قانونیت نیم جان در حال نزع»، به نفع گروپ خود، استفاده اعظمی نموده اند، به قیمت بی ثباتی و بروز پرابلمهای بی شمار دیگر برای کشور.

موصوف که زمانی، در سال اول قدرتش، درست سال ۱۹۹۲، با ضدیت شدید با «عننه لویه جرگه»، قدرت چهار ماهه اولی خود را، با تدویر «شورای حل و عقد» تمدید «شکلی» بخشید، حال اینک قریب ۹ سال بعد، که در جنگ داخلی «نوع جدید»، که ده ها هزار انسان به کام مرگ سپرده شدند، در این فرصت که در همکاری با قوای امریکائی، انگلیسی و غیره، مواضع مهمی را، به شمول کنترول کابل، پیش از وقت در اختیار داشته است، از مصاحبه او با «بی. بی. سی.» در همین روز، خبر دهنده می نویسد: «لیکن او علاو نمود که از مفکوره، تشکیل لویه جرگه، یا شورای ملی که در آن اقوام مختلف و گروپ های «ایتنی» در افغانستان دور هم بنشینند و در باره رهبری آینده کشور فیصله به عمل آورند، حمایت می کند.»

به همین ترتیب در باره کنفرانس «بین» که قرار بوده است، تحت رهبری و حمایت سازمان ملل متحد تشکیل گردد، «قدم اولی خوبی، در جهت تأمین صلح و ثبات در کشور» خوانده است. در عین حال گزارشگر از زبان وی حکایت می نماید که گفته است: «... نا ممکن خواهد بود، که مسایل افغانستان را فقط در یک دور مذاکرات تشخیص کرد.» این که آقای برهان الدین ربانی، به اساس کدام نیرومندی و حمایت داخلی و خارجی، همچو اظهاراتی می نموده است، تا خود را حتی بلند تر از با قدرت ترین سیاستمداران روز جهان تبارز دهد، در حقیقت «راز اصلی» را، با خود به قبر برده است. هر گاه با ترکیب محافل سیاسی در منطقه و جهان، در آن روزگاری که آقای ربانی و یاران «ائتلافی» او به قدرت آمدند، نظر اندازیم، آقای برهان الدین ربانی در آستانه شکست «احزاب کمونیستی» در «بلاک شرق» و زمان ختم جنگ سرد، بین قدرت های بزرگ جهان، در روی «صحنه سیاسی» قدم گذاشت. او حاضر شد، تا با عده ای که حاضر گردیده بودند، کلمات «رفیق گرامی» را با «برادر گرامی» در ارتباطات خویش به کار برند و در خطاب به «متحد و رهبر جدید خود» لقب «استاد»، به کار ببرند، به قدرت رسید. بعضی از رهبران «حزب کمونیست» اتحاد شوروی وقت و «جنرالان تند رو» به تدریج از اریکه قدرت دور رفتند.



چهره های تغییر یافته، دوباره به «کلیساهای اورتودوکس» سری زدند و آقای ربانی هم، برای افرادی چون عبدالرشید دوستم (عکس عبدالرشید دوستم با «یونوفورم» نظامی)، به نوشیدن «آب زم زم» اصیل در عربستان سعودی، یاری رسانید. فورمول های هدایت سیاست جدید، مبنی بر «تکیه بر اقلیت ها، در افغانستان»، در جعبه های میز های دیپلماتان کشور «شوروی» سابق، که حال «روسیه» نامیده می شد، جای داده شد. این سیاست، به وحدت ملی افغانستان چنان ضربه شدید وارد آورد، که تا اکنون، قرار سماعی، در مدت دو دهه، حتی سازمانهای «چپی» سابق جامعه هم، به حالت نورمال قبلی خود، جای نگرفته اند.

برای حکمروایان «جهادی افغانی» هم، «بوریس یلتسین» کمونیست سابق، حال دو باره به حیث یک «معتقد به وحدانیت خداوند»، معرفی گردیده بود. در سالهایی که، رژیم «سوسیالیستی» در حال سقوط اقل از جهت اقتصادی به سینه می خزید، ولی در ذخایر تسلیحاتی، به صورت کافی مقادیر اسلحه در اختیار داشت، تا در شرایط جدید، عوض «حزب چپ» سابق در افغانستان، توسط «ائتلاف جدید» که در پس پرده ممکن، دین و آئین نوینی، به خود تعیین نموده بوده باشند، اهداف ستراتیژیک قدرت بزرگ، که تا مدتی در بستر، به حالت ضعف و تب آلود خوابیده بود، به سر رسانند. این



در حالی بوده است، که دو قدرت بزرگ وقت، در رابطه با افغانستان حالت «صفری» را تعیین نموده بودند. این بدان معنی است که گویا، هر دو جانب به گروه های درگیر تحت حمایت شان، دیگر کمک نرسانند. بازی مدتی در دست، قدرت های منطقه نی افتاد. «ائتلاف شمال»، به خصوص گروپ برهان الدین ربانی، علاوه از حمایت «کشور های عضو همسایه بزرگ شمالی سابق» و «ایران» از «پشتیبانی هندوستان» نیز مستفید می گردید. چندین سال بعد، «پوتین» خود اعتراف نمود، که همین «ائتلاف» یا «اتحاد شمال» را در برابر «طالبان» حمایت نموده است. گزارشگر می نویسد: «سؤال به عمل آمد که آیا خطری در برابر کشور متصور است، که دوباره به وقفه جنگ های گروهی در گیر گردد؟ آقای ربانی گفت که وزارت دفاع در کابل، پلانی را رویدست گرفته است، که تمام قومندانان متعدد را که در حال حاضر، مناطق مختلف را در کشور تحت کنترل دارند، یکنوعی از شورائی را تشکیل دهند، که از تکرار آنچه در گذشته، صورت پذیرفته است، جلوگیری به عمل آید.

حال وقتی خبر دیدار هیأت بلند پایه روسیه را در «راپور بی. بی. سی.» مؤرخ ۲۵ «نومبر» ۲۰۰۱، در عکس از نظر می گذرانیم، تا حدی می شود حدس زد، که ممکن اضلاع متحده، بدون عوامل دیگر، «ائتلاف شمال» یا «اتحاد شمال» را، به اراده خود، به حیث «بدیل» طالبان انتخاب ننموده باشند. بدون این که آقای ربانی از موضوعات «پس پرده» خبر می داشت، ممکن جرأت آن را نمی داشت که خود را رئیس جمهور «بر حال» می دانست، و باز بنابر ادعای مقامات امریکائی، بدون پلان آنها، وارد کابل می شد. در عین زمان به قوای بین المللی هوشدار می دهد که «مداخله» ننمایند.

قبل از تدویر کنفرانس «بین»، به سلسله معلومات در قسمت های گذشته، اطلاعیه جالب ذیل را از منابع خبری، در رابطه با جنوب آسیا، بدین متن به دست آورده ام، که رونویس آن عاری از اهمیت نخواهد بود.

روز دوشنبه، ۱۲ «نومبر» ۲۰۰۱، گزارش گردید که «قدرت های بزرگ، آینده افغانستان را علامه گذاری نمودند» گزارشگر علاوه می کند که پیشرفتهای مخالفین، به موضوع، تعجیل جدید بخشید. به ادامه می نویسد: «قرار است همسایگان افغانستان وزنه آنها را در عقب پلانها، برای یک حکومت بر پایه وسیع و انتخاب آزاد یک حکومت، پس از «طالبان»، در جلسه دوشنبه در نیویارک، بگذارند. بیانیه ای که قرار است در جلسه وزرای خارجه - کشور های

به اصطلاح ۶+۲، یعنی همسایگان افغانستان جمع روسیه و اضلاع متحده - ، به امضاء رسد، از کوشش ها در امر بر کناری قدرت طالبان حمایت می کنند.

لیکن، «آنطوریکه تحلیلگر اروپا - آسیای (Eurasia)، «پم اوتول» (Pam O'Toole)، گزارش می دهد، که در این تجمع، جلسه عمومی سازمان ملل متحد در نیویارک، انتظار نمی رود که وقتی طالبان سقوط داده می شود، مشخص گردد که کی باید، قدرت را در دست گیرد. یک موضوع بحث داغ است.



همسایگان افغانستان - چین، پاکستان، ایران، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان - همواره روی آینده افغانستان تأکید ورزیده اند

همین تحلیلگر از یک «توافق بی سابقه» نام برده، می نویسد که اشتراک کنندگان جلسه، برای موضوع اعلامیه به اساس تلاشهای نماینده خاص، سازمان ملل متحد برای امور افغانستان، «الاحضر ابراهیمی»، که اخیراً به منطقه به خاطر متحد ساختن آنها، سفری

انجام داده بود، گرد هم آمده بودند. همچنان علاوه نمود است که، قرار است، آقای ابراهیمی نیز در این جلسه حضور داشته باشد. (در پای عکس ابراهیمی گزارشگر می نویسد، که او همسایگان افغانستان را متحد ساخته است.)

به ادامه این گزارش، قسمت دیگری از طرح اعلامیه را بدین متن نقل می نماید: «در طرح اعلامیه، از مردم افغانستان می خواهد تا «حکومتی بر پایه وسیع، کثیرالانتیک، از جهت سیاسی متوازن، اداره آزاد انتخابی افغان، وارث آرزوها و در صلح با همسایگان، تأسیس نمایند». «خبر دهنده از طرح مقدماتی متن چنین نقل می کند: «این اداره باید قادر باشد تا به نیازمندیهای مردم افغانستان جواب مثبت دهد، احترام به حقوق بشر داشته باشد، به ثبات منطقه ئی و مکلفیت های بین المللی افغانستان ارج بگذارد، به شمول جلوگیری از تجارت مواد مخدر.»

بار دیگر متذکر می شود که جست و جو برای یک حکومت، بعد از طالبان زمانی مبرم شناخته شد، که «اتحاد شمال»، شهر کلیدی شمال، یعنی مزار شریف راتسخیر نمود و به سوی کابل نظر انداخته بودند.

در همین گزارش تحلیلگر می نویسد: «برای هر حل سیاسی که کار دهد، حکومت جدید، باید نه تنها مورد حمایت گروپ های افغانی باشد، بلکه تعداد کشور های مختلف هم، باید از آن حمایت کنند.»

همین نماینده «بی. بی. سی»، که در عین زمان از وی به عنوان تحلیلگر مسایل اروپا-آسیا، نام داده شده است، در همین منبع و در همان روز همچنان گزارش می دهد، که: «اضلاع متحده از پیشنهاد یک شورای افغانها، به ریاست پادشاه سابق افغانستان، محمد ظاهر شاه حمایت نموده است. این شورا باید به حیث



حکومت موقت عمل نماید، و تدویر «لویه جرگه» یا «اسامبله بزرگ»، را تدارک ببندد، تا افغانها رئیس دولت آینده را انتخاب نمایند.» لیکن به اساس اظهار این خبر دهنده در این راه «پیشرفت قلیل» دیده می شود، تا شورای مورد نظر تشکیل شده بتواند. از زبان رئیس جمهور فرانسه «جک شیرک»، حکایت می کند که «گفته است، قطعنامه را فرانسه و برتانیه، در پلان دارند که به شورای امنیت پیشکش نمایند، «خیلی نزدیک» به پیشنهاد فرانسه است. از سازمان ملل متحد برای حمایت آن اداره انتقالی، با توان پادشاه سابق ۸۷ ساله، تقاضا به عمل آمده است. (در پای عکس پادشاه

سابق، همین گزارشگر نوشته است، اضلاع متحده و فرانسه از یک شورای موقت به ریاست پادشاه سابق حمایت می کنند.)

در همین راپور دیده می شود که گزارشگر در مورد موقف ایران بدین متن می نویسد: « ایران، یک حامی دیگر اتحاد شمال شناخته می شود، در باره پادشاه سابق، که در اداره موقت نقش برجسته و والا داشته باشد، بی علاقه است. بر حسب منابع معتبر دیپلماتیک ایران، تهران ترجیح می دهد که اداره موقت افغانستان، توسط افغانهای «تیکنوکرات» یا کارشناس به پیش برده شود و به حمایت سازمان ملل متحد، برای لویه جرگه آمدگی صورت گیرد.»

در عین زمان، قریب دو هفته قبل از تدویر کنفرانس در «بن»، در مقر مرکزی سازمان ملل متحد در نیویارک، سؤال روی موضع، که کی باید در اداره موقت تعیین – و توسط کدام شخصیت- نمایندگی شود، موضوع مورد مناقشه و مباحثه بوده است. در رابطه با موضعگیری پاکستان گفته می شود، که آنکشور «به حیث حامی اساسی طالبان شناخته شده است، مدعی شده است که تشکیلات موقت، باید منعکس کننده حقیقتی باشد، که پشتون های افغانستان، بزرگترین گروپ «ایتنی» است. متمایل است که «طالبان معتدل» در آن حضور داشته باشند، لیکن مناقشه و اختلاف را بر آن گزارش داده است، که چه کسی در این نقش باشد. وزیر خارجه عربستان سعودی، شهزاده سعود الفیصل، به نوبه خود همچنان «کانسپتی» را پیش کش نموده بود، که در آن از فعالیت ها در جهت تأمین ثبات در کشور حمایت به عمل آید.

از ایران به عنوان یک قدرت منطقه ئی، یاد نموده، تذکر می دهد که نسبت به انگیزه های پادشاه سابق افغانستان با بدگمانی برخورد می نماید، با وجود آن که پادشاه، خود دایماً تأکید به عمل آورده است، که علاقه مند، به احیای دوباره پادشاهی نیست. آنطوری که قبلاً نیز تذکر رفته است گروپ «قبرس» که متشکل از یکتعداد نمایندگان گروپ های کوچک «مجاهدین» و بعضی سیاستمداران بوده اند، در سلسله جلسات، اشتراک داشته، بحث می نموده اند که چگونه به صلح در کشور دست یابند. این گروپ ها، هم از حمایت ایران برخوردار بوده اند. تلاش های وسیع ایران از مدت ها بدینسو، عمدتاً در دو جهت در افغانستان متمرکز می باشد. یکی در زیر سایه تلاش در جهت حفظ موقف یک قدرت منطقه ئی عمل می کند، به خاطر دوباره احراز قدرت «ژاندارم» منطقه شبیه زمان شاه، یا خاندان «پهلوی»، بدون شاه. در سایه همچو قدرت و مناسبات در فکر تحکیم و توسعه، پیوند های عمیق با «فرقه های شیعه» مشابه با پیوند ها، با شیعه های لبنان و عراق و سایر تلاشها در خلیج. در رابطه، با برگشت پادشاه سابق افغانستان، بیم از آن داشته است، که مبادا، در ذهنیت مردم ایران، امکان بازگشت، شهزاده ایران نیز منطقی قبول نشود. حال دیده می شود که در افغانستان، مصارفات و فعالیت های آنکشور را غیر از محافل و حلقات سازمانیافته شیعه مذهب، توسعه بخشیده است.

در باره هیأتی که از پشاور نام داده شده است، گزارش می یابد که گویا، اخیراً کنفرانسی را به اشتراک ۱۵۰۰ نفر از سران و موسفیدان اقوام، که هیچ یکی از آنها، در «اتحاد شمال» عضویت نداشته اند، تدویر نموده اند.

به تاریخ ۲۸ «نومبر» ۲۰۰۱، مصادف با روز دوم کنفرانس، سؤالی مطرح گردیده است، که در این کنفرانس چه

کسانی شنیده شده اند. بار دیگر بحث بر سر چهار هیأت می چرخیده است، ضمناً تذکار یافته



است که نمایندگی مناسب درین کنفرانس حضور نداشته است. درین رابطه با هیأت «اتحاد

شمال»، بار دیگر تذکر داده می شود که یونس قانونی وزیر داخله، «عضو حزب قدرتمند جمعیت

اسلامی تحت رهبری رئیس جمهور برکنار شده، برهان الدین ربانی» رئیس هیأت است. این اتحاد

از یک ردیف و سلسله گروپ های «ایتنی های غیر متجانس و نا مساوی» متشکل بوده، که در

آن وساطت قدرت (powerbrokers) بر سر مقام در درون آن، مشغول رقابت و هم چشمی اند. گروپ مسلط را

خبر ننگار، از «ایتنی» تاجیک دانسته است، این «ایتنی» را ۲۵ فیصد مجموع نفوس جامعه تخمین نموده است. در این زمان تذکر می دهد: «برهان الدین ربانی تاجیک است، مانند یک قومندان مقتدر دیگر اسمعیل خان (منبع عکس «بی. بی. سی»)، کسیکه خود را خود والی ولایت غربی، هرات نام داد.

گروپ «ایتنی» ازبک، تحت فرماندهی «جنرال عبدالرشید دوستم، قرار داشته، کسیکه ولایت بلخ و شهر شمال، مزار شریف را تحت کنترل خود دارد.» هزاره ها را در دو گروپ، «حرکت اسلامی» و «حزب وحدت» یاد نمود، آنها راهم در آن شامل دانسته است. بسیاری از محققین پیشگونی نموده اند که حفظ موقف و یا سقوط «اتحاد»، تابع آنست که آیا خواهد توانست، با بزرگترین گروپ «ایتنی» افغانستان، یعنی پشتون ها، موفقانه سازش نموده، همراه گردند، که ۴۰ فیصد نفوس را می سازد. بناءً از نظر این گزارشگر، اعضای «طالبان» را اکثراً پشتون ها، تشکیل می دهند، از جمله پشتون هائی که در «اتحاد» شامل است، از «عبد القدیر»، والی ننگرهار، یاد شده است، که قبلاً عکس وی با یونس قانونی نشان داده شده است. بعداً، خواهیم دید که نامبرده، قبل از ختم کنفرانس، محل را ترک گفته است.

ادامه دارد...

۲۰۱۲/۰۴/۱۵